



کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران

شماره ۱۸۰ رباع

شماره شانزدهم

دهم دیماه ۱۳۵۷

تنها نماینده کمیته برای دفاع از حقوق بشر و پیشبرد آن در ایران در نشر و توزیع اعلامیه‌ها و مطالبه منتشره در داخل کشور مبارزه با استور حکومتی است که سایه شوم خود را بر اندیشه و بیان و هنر مردم انداخته است. مبارزه با استور با استوار نوع دیگری از آن تحت هر عنوان و به هر شکل که باشد غیر نیست و لذا کمیته برای دفاع فعال از حق آزادی

علی اصغر حاج سیدجوادی : الله اكبر ... این صدای
انقلاب ایران است
(دفترهای سیاسی « جنبش » ، شماره ۱۸)

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
الف	ابلاغ ملت ایران به شاه و دولت و ارتش و به دولتهای خارجی (۱۹ دسامبر ۷۸)
۱	سندکار و توضیح
۲	رویدادهای ماه محرم در ایران
۸	گزارشی کوتاه از مساجد، مطبوعات و وقایع اخیر ایران
۹	اعلامیه نهضت آزادی ایران (۶ مهر ۵۷)
۱۰	اعلامیه جنبه ملی ایران (۵ مهرماه ۵۷)
۱۱	اعلامیه نجر اسلام
۱۲	نامه جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر به رئیس جمهور فرانسه
۱۳	پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی در مورد جنایات شاه و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران
۱۵	به مردم عبور کردستان
۱۶	پیام آیت الله منتظری به مردم عبور آسان اصفهان و شهرستان نجف آباد
۱۷	پیام حضرت آیت الله العظمی امام خمینی به کارمندان و کارگران شرکت نفت ایران
۱۸	سیانیه شماره ۶ اتحاد برای آزادی
۱۹	پیام حضرت آیت الله العظمی خمینی به آیت الله منتظری پس از آزادی از زندان شاه
۲۰	طالبانی
۲۱	باسخ اعلامیه مجاهد آیت الله طالبانی به پیام قائد بزرگ اسلام امام خمینی دام ظلّه
۲۲	پیام امام خمینی بمناسبت کشتار مردم سلیمان در سخن و حرم مطهر حضرت ناس الحجج و اعلام عزای عمومی
۲۲	نظر حضرت آیت الله بهلانی در باره حکومت نظامی
۲۳	پیام قائد بزرگ اسلام امام خمینی بمناسبت فرارسیدن ماه محرم، ماه حساسه و نجاست
۲۵	کشتار وحشیانه شاه خائن
۲۷	سخن اعلامیه جمعی از اساتید و نمایان جوهره علمیه قم در باره تعطیل عمومی روز سه شنبه ۲ محرم ۱۳۹۹
۲۹	نامه کمیته اجرائی جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر به ازهراری (۱۵ آذر ۵۷)
۳۱	نامه علی اصغر حاج سید جوادی به ازهراری (۱۵ آذر ۵۷)
۳۲	اعلام اعتصاب عمومی جامعه فرهنگیان
۳۳	شعری از طاهره سفارزاده تحت عنوان آزادی ددان
۳۷	بولتن شماره ۱۲ کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی (۲۵ مهر ۵۷)
۴۵	بولتن شماره ۱۳ (آذرماه ۵۷)
۵۵	اعدام انقلابی فرهنگ زمانی پور (سازمان جریکهای فدائی خلق ایران)
۵۸	اعلامیه ۱۶ مهر ۱۳۵۷
۶۰	جنبش شماره ۱۰ (۲۲ مهر ۵۷) [کیفیت چاپ (یا تکثیر) اصلا خوب نیست]
۶۲	خبرنامه جنبه ملی ایران شماره ۲۷ (۱۹ آذر ۵۷)
۶۶	خبرنامه جنبه ملی ایران شماره ۲۶ (۱۸ آذر ۵۷)
۷۰	خبرنامه جنبه ملی ایران شماره ۲۵ (۱۶ آذر ۵۷)

(بقیه فهرست مندرجات در پشت جلد)



دفترهای سیاسی جنبش، شماره ۱۷ را فرمانداری نظامی

به غنیمت برد (شماره ۱۰۲ تن از یاران) که احتمال تعهد هم

چاپ و تکثیرش کند • این دفتر شماره ۱۸ را در واقع شما به

جای شماره ۱۷ قبول کنید •

xalvat.com

الله اکبر ... این صدای انقلاب ایران است

روز جمعه ۱۷ آذر ماه ۱۳۵۷ من منظره کوچکی از صفحه عظیم مبارزه قهرآمیز مردم ایران را بارزیم استبداد سلطنتی ایران دیدم • این منظره ثبوت در خانه من شکل گرفت و انگیزه نازه تری برایمان صادق من در وجود این مبارزه و ضرورت ادامه آن افزود • در این روز جمعه مثل هر روز جمعه جمعی از دوستان و آشنایان واقفان و خشنودان من در منزل من گرد هم نشسته بودند • حرف ما از مسائل روز و مبادله اطلاعات و تبادل نظر در زمینه مسائل اجتماعی بود • اجتماع عده ای از روشنفکران مرد و زن ام از پرست و استاد دانشگاه و دانشجو و کارمند و صاحبان مشاغل آزاد، در روزگاری که کشور مسلمان در بحران همیتی که ناشی از دزدی و فساد و اختناق ۲۵ ساله استبداد مملکتی است چه میتواند باشد ؟

و در گرواگریم این مباحثات ناگهان منزل کوچک من از هر سو مورد یورش نظامی رژیم فاسد سراپا گنبدیده استبداد سلطنتی قرار گرفت •

موجود بزرگ کرده ای که سینه اش را سراپا نوارهای رنگارنگ ناشی از مز دوری و تیرنگ و دروغ و سفاکی فرا گرفته بود در راس نیروی از سه دسته یعنی نظامیان و افسران و پاسبانان شهرنشینی و مامورین مخفی ساواک با مسلسل و تفنگ و هفت تیر به منزل من حمله کردند •

حمله با سببیت و خشونت معمولی — مامورین استبداد آغاز شد، در روز روشن ... حمله به خانه کسی که گناهی جز مبارزه با قلدری و فساد و اختناق ندارد و احوال شدت و خشونت نسبت به افرادی که چشم و چراغ فرهنگ کشورند به چه پنهانهای میتواند باشد ؟ به پنهانهای اجتماع برای توطئه، توطئه علیه چی ؟ علیه نظم و امنیت، چرا که اجتماع



طبق قانون حکومت نظامی مشوع است و احتیاج به کسب اجازه دارد * کدام حیثیت، نظامی ؟ حکومت نظامی ای که از پایه پر خراف قانون اساسی است و منگامینه در شست سال قبیل وضع شده فلسفه آن مبارزه با توطئه های محمد علی شاه قاجار بود * کسب اجازه از کی ؟ از سرهنگ ازفتدی رئیس کلانتری هست تهران ، و سرهنگ ازفتدی کیست ؟ موجودی نا- جوانمرد و دروغگو و متعاقب و ترسو که جز سلاح کمری و اٹکا به قدرت استبدادی و قلندری رژیمی که به نوکری آن افتخار میکنند تکیه گاهی ندارد * و سرهنگ ازفتدی چه میکنند ؟ امر میکنند که روستنکاران و فرزانشانی که در خانه من جمع شده اند رویه دیوار دستهای خود را بالای سر بگذارند و سپس مامورین او با هفت تیر های - از کمر کشیده و مسلسل های آماده بالای سر آنها می ایستند و با بی ادبی و خشونت شرم آورده تنها آنها را همانطور نگه میدارند و پسر از بازجویی بدنی آنها را در حیاط آپارتمانهایی که در یکی از آنها من سکونت دارم می نشانند و برای آنها نطق میکند ، نطق او چیست ؟ فحش به من و به آقای خمینی * و پسر از ایراد نطق خانمها و آقایان را سوار کامیونهای ارتشی میکند و بداد سرای فرمانداری نظامی می فرستد ، اما با من و خانه من و زن و فرزندان من چه میکند ؟ خانه مرا از سر تا بن زیر و رو میکنند و همه اوراق و اسناد مرا با بیرون ریختن از قفسه ها میبرد * و ناگهان آقای سرهنگ به خیال خود نر به بطری خای مشروب دست می یابد و اینچاست که پرورنده ساز کهنه کار شهرداری در نشسته تعبیه ینگ توطئه برای - بدنام کردن من میافتد ، آقای سرهنگ نطق غرابی برای سربازان و مامورین استخالگر - در طنز و استهزای من ایراد میکنند و سپری به اطاق خواب من میرود و در آنجا به پسر، انداز و پول نقد خانواده ما دست منی یابد و با این کشف جدید زمینه تازه ای برای ایراد ینگ نطق وطن در ستانه و شاه پرستانه بدست آورد مرا از اتاق مجاور به پیش خرید میخواند و بمن میگوید این پولها را از کجا آورده آید ، میگویم چه ریحنی بشما دارد ؟ میگوید این سمان پولهایی است که بشما برای خرابکاری و چاپ اوراق ضد امنیتی می دهند * و اتاق خواب من و اتاق بچه ما هم نیز بدست آقای سرهنگ و مامورین او زیر و رو میشود و پسر از اینک همه اوراق و اسناد و نوشته های مرا از خانه بیرون بردند و پسر از اینک خانه مرا به پناه - دست و چو برای پیدا کردن انبارهای اسلحه برهم ریختند آقای سرهنگ امر میدهد - دست من را از اینک خانه بیرون بردند و پسر از سربازان در خانه ما وارد - ساله ای را به اتاق مجاور می برد و او را میبوسد و از او میخواهد که زیب شلیارش را باز کند و این عمل را یکی دیگر از سربازان می خیانتد با یکی از دشمنان حاضر در خانه من که بچه مرده خانه سوزان آپارتمانها پناه برده بودند انجام دهند که دست فرار میکنند و یکی از همسایه ها او را پناه میدهد *

آقای سرهنگ مرا با دستبند به کلانتری می برد و در آنجا با نطق شرح سمله پرا ز فتح و دفتر خود را در حضور من برای ناقص در فرمانداری نظامی شرح میدهند :

این خانه مرکز پخش و چاپ کاپیه نشریات مفره تهران است !!
در آنجا انواع وسایل چاپ و دوربین های عکاسی بدست آمده است !!
در منزل آقا مشروب فراوان بدست آمده است !!
در آنجا پول زیادی کشف شده که برای مخارج خرابکاری ذخیره شده است
تعداد اوراق پلی کپی از حد وزن و شماره خارج است !!
مقدار زیادی کاغذ سفید برای چاپ اوراق هم کشف کردیم !!
در یخچال خانه آقا که ا دعای مبارزه می کنند ، تمام قفسه ها مشواز گوشت
و ماهی است !!



با همین توفیق سرایا نامردانه و دروغی ، آقای سرهنگ از خانه بن آنتیخان سرکر
تورنگ و خرابکاری و عسرتند و میخانه ای را به جسم میکند که کترین پاداش ایشان از
بمقام سریشی استند . درابطه دادگستری ناگهان بسورت یک مامور پریژده ساز ساوان آن
چنان ویتندانه و بیشرمانه در برابر من دروغ میگوید که من در دلم هم میفاندم و هم گریه
میکنم *

xalvat.com

خنده از اینکه در برابر خود موجودی می بینم که چگونه از تمام اعضا و احشای آبد
و کتفه خود دروغ استفرغ می کند و گریه از این جهت که این میچود آلوده تا در جسم
سرهنگی و بقول خود من با ۲۶ سال خدمت چقد ربا بد مرتکب تجاویز و دروغ و جنابشوسی و
پیره می شده باشد تا آنجا که اکنون در مقام کلانتری و در مقابل کسی مثل من که لایق
قتلی بیژنی گفتن حقایق دارم این چنین در دروغ گفتن و تهمت زدن و پریژده سازی کردن
بی پروا و بیسرم و ناپوانمرد است *

و ستامیکه من و همسرم را از خانه خارج میکنند و او را نیز همراه دیگران به نریمانده
نشانی می برند خانه در استعمال سرایان و مامورین باقی میماند و وقتی که پسران بخت نه
ساعت نیم را رسا می کنند و بمنزل می آید و فردای آن روز به زندگی خود میرسد می پریژده
که خسرات مامورین نعم و امنیت نظام شاهنشاهی و دولت نظامی همه حلقه ها و تجیرهای
نلازی او و دخترانش را بسرت برد اند * و وقتی به سرهنگ ازفندی رئیس کلانتری ظفر
میداند و میگوید آقای سرهنگ به مامورین خود بگوئید که اشیا مسروقه مرا برگردانند پس
خسرت و بی ادبی یک لات و لنگرد و در حالی که گوشی تلفن را میگذارد و فریاد می زند که
دختر شویش را در آوردن می ، انتدار دانی خانه ات را برایت درست کنند و تحویل بدهند ؟

و در نهایت ما آقای سرهنگ فیلمبرداران آرش را احضار میکنند ، بطرفی های عکسونه
را سرش می پیند و همرا نیز در کنار آنها فرار میدهد و از آن فیلمی میگیرد که بخیال
حیو کرم سازی رژیم استبدادی مد رکی بر سیاسی و می خوارگی و بی اعتقادی من به میادی
اعتقادی شبیه دند

و بدستبه ۱۹ آذر ۱۳۵۷ من برای راه پیمایی به جمعیت می پیژدم و در برابر پشمان
پریژده من میلیونها انسانی زنده و مسدم سرکته میشوند ، من بیاد دوستان خودم می
آیم که بسرانج در زندان هستند بجای آنها را در کنار خود حالی می پریژدم و پریژدم از این
جدایی و از شیک بران ران و شرافتنامه که از خانه من بدست سرهنگ ازفندی و مامورین
اوشیویه سدند اشرفه میشود ، در دلم می پریژدم که ای دلش در کنار آنها بودم اما این
انگوسه بیرونی نمی باید زیرا در جلوی درمخان من بزرگترین ام نافع تمامی تاریخ ایران است
در آن وقت ، امواج انسانی مدتها مدتها هزاره از مرز سه میلیون به آسانی در میگذرد
پریژده در آید فاند *

همچنان تمام و سرایا حفاست و عزتاپ رویه آزادی و استقلال ریختت به استبداد و فساد
و اختناق ، درهای زندان بزرگ ایران اکنون چهارطاق گسوده شده است ، میلیونها انسان
در آنجا سبنا دستار و قارت و آتش سوزی و سطله و همجوید ست رژیم استبدادی همچنان
مهم برای شهادت و ایثار دست در دست هم و در کنار هم قدم بر میدارند ، در حالیکه
از جانفرو تینیفات رژیم نظامی استبداد همچنان سیل دروغ جاری میشود ، در حالیکه
در ورین امریکائی آقای از صاری در پشت باسها چیزی جز مدای نرانی نیست و نمی شود
و این در پشت باس بزرگ جنگهای روانی [] بانک الله اخبار یعنی صدای انکتاب قهرآمیز مردم
ایران با جز تهریک دستمان و بدست اخلا لگران نمی داند ، در حالیکه بدینی سراسری
مردم ایران به مثنی اخلا لگر نسبت داده میشود ، بزرگترین راه پیمایی تاریخ ایران آغاز



میشود و من به چشمان خودم سرنگه کردم این جنگ و مبارزه مسلحانه بین رژیم استبدادی و مردم ایران را در خانه خودم دیدم و حضور این مبارزه را با تمام وجودم احساس کردم . تجاوز غیر قانونی به حریم امنیت با خانواده ، خشونت و سببیت مامورانی که دست به مانده به چیزی جز شلیک و تجاوز فکر نمی کردند ، غارت ماسوین کوچکی که به جرات و فراغت دزدان بزرگ ، هستی کوچک ما را غارت و خانه کوچک ما را زیر و رو کردند ، رقابت و پیشروی فرماندهی که برای سرخند منی و چاپلوسی ، دروغویی و نامردی و بیعتان زنی را در سرحد رقابت و دناقت پیش ببرد و به خریدش اجازه دهد که هیچیک از اصول قانونی و قضایی تشکیل یک پرونده حتی در حد فوأم مسلمانان و توطئه علیه امنیت کشور اغتشا نکند و به سهولت کاریک مرزش محمد همیشه می پرونده سازی کند و بمن در مسوولان دوستی بداند .
و در این لحظات بود که من احساس کردم که او چگونه مرا به جنگ خود می خواند و در تمام درکات و رفتار و گفتارش این واقعیت خلاصه میشود که او دشمن من است و منسین راهی جز دشمنی و مبارزه با او ندارم .

xalvat.com

اوباموری است که بطور غیر قانونی به خانه من تجاوز می کند و بطور غیر قانونی زندگی مرا زیر و رو میکند . و بطور غیر قانونی نوشته ها را اوراق مرا که حاصل اندیشه من و بین خوابی های مداوم من است ، میخورد می کند و بطور غیر قانونی حلقه و انگشتری و سکه و گردن بند زن و دختران مرا می دزدد و بطور غیر قانونی دوستان و مهمانان مرا توقیف زندانی می کند و بطور غیر قانونی زن مرا که اگر من و مهمانان من گناهی نداشتیم او گناهایی را بر ما تحمیل می کند و بطور غیر قانونی مرا تغییر دزدان مسلح و یا جانباختن دختران ما دست بند بر خود بد کلاذتری میبرد . و بطور غیر قانونی و یا برخلاف همه موازین انسانی به دختر خود سال و به دختران مهمان خانه من قلمد تجاوز می کند .

این سرسنگ و وزیرستان او ماموران رژیم استبدادی هستند و رفتار و کردار و گفتار آنها طبعاً الگویی از رفتار و کردار و گفتار رژیم است . خانه من نیز چیزی از این خاک پهنابور است .

آیا بی اعتنائی او به قانون دلیل بر بی اعتنائی رژیم استبدادی به قانون نیست؟
آیا خشونت و استبداد او در برخورد با ما نمونه خشونت و استبداد رژیم با مردم نیست؟

در روشنی و شب سقایی که او این چنین با رقابت و فراغت میگوید و میکند نشانه های از دروغی رژیم و ادعا های بیج آن نیست؟
زاد سبوری که مامورینی آن نوبه آسان و سهل به چند تکه حلقه و انگشتری و سکه خانوادگی من زدند نشانه ظالمانه بزرگی نیست که رژیم فاسد استبدادی ایران از ثروت و مالیه مردم ستدیده این کشور کردند ؟
و مبارزه قهرآمیز چندینه و از کجا شروع میشود ؟

کسی که با تجاوز آشکار هم قدرت غیر قانونی خود را بر شما تحمیل میکند و هم زندگی شما را غارت میکند و هم بد روح خود را با انگشتر شما به پلک شما زدند شما مسرفی میکنید اگر دشمن نیست پس چیست ؟

و شما مسئله این نیست که شما او را دشمن خود میدانید بلکه اصل مسئله اینست که او شما را از بیخ و بن دشمن آتش ناپذیر خود میداند .

او با تجاوز به شما و غارت هستی شما و تسلط بر همه وسایل تبلیغاتی که از اساس به شما تعلق دارد و بلی واژگونه کردن سقایی که چیز تجاوز و غارت شما نیست از آغاز شما



۱۳۳

اعلان چنگه داده است * و اودستی است که با پول شما و یا نستی شما برای برت با شما خود را به انواع گوناگون اسلحه و از جمله سلاحهای تبلیغاتی برای قلب دقایق مجرب کرده است *

آنجایی که شما مخالفت آغاز کنید با حمله و هجوم به خانه شما را مثل دزدان شبروی می‌ریزند و شکنجه می‌کنند و پرورده می‌سازد و به مردمی که خواست برزدان محکوم می‌نمایند *

و آنجایی که مسلحتر اقتضا کند دست به اسلحه می‌برد و شما را بیدریخ در خانه و کوچه و خیابان می‌کشد و برگبار گلرله می‌بندد و سپرد را در یوتله و یزیون د ولتی و مضبوطات مزدور خود شما را مستی اخلاک و نوکر اجنبی و دشمن وطن و نظام مقدس شاهنشاهی و خصم دین معرفی می‌کند و حتی خانه شما را در غیاب شما پخیال خودش برای بدنام کردن شما برای قیلمبرداری و عرقه کردن بی دینی شما صحنه پرداز می‌کند *

و در اینجا است که رژیم خداپرست اسلامی سلطنتی که متولیان با عصمت و با عفت آن از هرگونه اتهام دزدی و عیاشی و هرزه‌گی بری هستند از وجود چند بطری مشروب و چند بسته اسکناس در خانه شما بلرزه می‌افتد و ارباب اسلام و امنیت ملی را در خطر می‌بینند!!! مگر همین رژیم مسلمان و وطن دوست نبود که دو سه سال قبل سرتیب بازنده‌های را در سن هشتاد سالگی به کمک سرویس‌های اطلاعاتی مافوق مدرن خود در چین گرفتن هزار و پانصد تیرانداز مفری ماهانه برای جاسوسی از دست یک مامور سفارت شوروی بازداشت کرد؟! ...

مگر همین رژیم سرپا با فضیلت و با عصمت نیست که صاحبان مقامات عالی آبنان شب محتاجند و جز حقوق مختصر دولتی عایدی دیگری ندارند و از محل خرید های — اسلحه و اداره قارخانه ها و نواحی خانه ها و هتل ها و شهرت سازها و محاملات صیمان و شکر و نقد و تصرفهای غیر قانونی جنگل ها و مراتع مردم هیچ پولی و هیچ رشوهای در دست یافتنی کنند و نظیر گاندی ها و سستری ها و نهروها و خمینی ها اگر چشم از دنیا ببندند ارثیه آنها از چند ده تومان تجاوز نمی‌کند ؟

xalvat.com

و در اینجا به نقطه انتخاب سرنوست می‌رسیم که کسی که شما را دشمن خود میداند و از همه رفتار و کردار و گفتار او جز دشمنی تا سرحد ناجوانمردی و دنائت و خشونت و سیاحت نمی‌تراورد ، در نزد شما چگونه تلقی میشود و تکلیف شما با چنین موجودی چیست ؟ آیا با کسی که اینچنین با شما سردشمنی دارد و تا مرز ناپودی شما قدم بر میدارد چه معامله ای می‌توان کرد ؟ آیا با دشمن می‌توان دوستی کرد ؟ آیا با دشمن میتوان معاشات نمود ؟ آیا از دشمن میتوان گذشت ؟ آیا میتوان حضور دشمن را در حریم امنیت خانه خود نادیده گرفت ؟ آیا می‌توان از وجود او احساس را یعنی کرد ؟ و آیا می‌توان قبول کرد که دشمن می‌تواند دست خود و یا حتی دست از دشمنی بردارد و بیخرفی اختیار کند ؟ آیا کسی که مثل زالواز نستی و حیات شما و به طفیل وجود شما تغذیه می‌کند میتواند از طبیعت غریزی خود دست بردارد و شما را بحال خود رها کند ؟

آیا کسی که مزه قدرت را پسیده است و در راه بدست آوردن قدرت قانون را زیر پا گذاشته و سبب موانع موجود در سر راه خود را با چنک و دندان و اسلحه و کشتار و شکنجه و زندان و اختیاتی برداشته است می‌تواند به موجودی مطیع قانون و مقید به اصول قانونی تبدیل شود ؟

آیا با کسی که به تعلق شنیدن و زور گفتن و تجاوز کردن عادت کرده و در برابر خود و در اشراف خود بجز موجوداتی زبون و چاکر و دست بزور و پا بوس و تعلق گویندیده است



میتوان به سازش و به همزیستی مسالمت آمیز در حد و قانون رسید ؟

و در اینجا به میدان تجربه می‌رسیم که دشمن در سه سال گذشته با تکیه بر قدرت و نفیست و به دنبال هزاران گشته و مچروع و سالها قلدری و زورگویی همراه با وحشی ترین شیوه های خشونت و شکنجه خود را برای یک عقب نشینی و در خیز تاکتیکی آماده میکند .
و این خود یکی از وسایل مبارزه برای ادامه قدرت است .

دشمنی که وسایل حکومت را با تمامی قدرت در دست دارد در این مرحله از ناتوانی تلاش استغیث چیست ؟ اینست که قدرت را نگه دارد و حکومت را واگذار نکند .

و تجربه ثابت کرده است که کسانی که حکومت بدون قدرت را در دست دارند هرگز قدرت را قبضه نخواهند کرد ، ولی کسانی که قدرت بدون حکومت را در دست دارند به آسانی حکومت را نیز بدست می‌آورند .

xalvat.com

کسانی که قدرت و حکومت را در دست دارند در یک چیز با یکدیگر اتفاق نظر کامل دارند و آن حفظ قدرت و حکومت است به هر قیمت ، اما کسانی که میخواهند قدرت را از چنگ استبداد و فساد به نفع مردم نجات دهند همه دارای اتفاق نظر محسوسا در شیوه های مبارزه نیستند ، و رژیم نه تنها برای نجات از تنگناهای سقوط به قدرت متکی است بلکه از این اختلاف و تشتت مخالفین خود نیز بشدت استفاده می‌کند . زیرا رژیم برای حفظ قدرت و برای آماده کردن خود برای تصرف مجدد مواضع از دست داده همیشه با سازش کارترین و محافظه کارترین جناح مخالف رابطه برقرار می‌کند و با او معامله می‌نمایند زیرا سازمانکاران و محافظه کاران لیبرال علاوه بر وابستگی به شرایط مرفه اجتماعی و اقتصادی و دور بودن از اعناق نیازمندی بوده ها مجذوب قدرت و مقام هستند ، آنها به اعمال ضلالتی بودن راه مبارزه و ایجاد رابطه با نیروهای مردمی برای وارد کردن آنها بمیدان مبارزه اعتقادی ندارند ، بلکه هدف آنها قرار گرفتن در مسند قدرت و انجام برنامه هایی است که جز به قشرهای نازک و سطحی مسائل اجتماعی و اقتصادی جامعه نمی‌رسد و دست بردن در این قشرها هرگز به دگرگون کردن مواضع اصلی قدرت و نهادها و بنیادهایی که قدرت استبدادی متکی بر آنهاست منتهی نمی‌شود ، بلکه دیر یا زود جاذبه اندامات سطحی لیبرالی کسانی که فقط در مسند های حکومت نشستند و هیچ سلطه و نفوذی بر امورهای اصلی قدرت ندارند با ایجاد مرجع و مرج و ناامیدی از بین می‌رود و زمینه برای فرود آوردن - ضربه نهایی آماده میشود .

پنا بر این نتایجی که از بحران کنونی و نهضت سراسری امروز مردم ایران میتوان گرفت اینست که :

— اول — رژیم کنونی استبدادی ایران بطور اکید مردم ایران و توده های ستم دیده و غارت شده آنها دشمن خود میداند .

— دوم — این دشمنی نه به شکل منفی و غیر فعال بلکه بشکل فعال و مثبت است یعنی رژیم با اختناق و شکنجه و تجاوز به قانون و غارت و تبلیغات دروغ از سالها قبل دشمنی را با مردم ایران بصورت جنگی همه جانبه و غلی در آورده است .

— سوم — مردم ایران با نظامی منسحب خود و وابسته به خود رو به رو نیستند بلکه در زیر حکومت نظامی قرار دارند که بطور کامل دشمن آنها بوده و با آنها در حال جنگ پسر میبرد .

— چهارم — این دشمن با تمام وسایل از ادامه قدرت و موجودیت خود دفاع



می‌کند و به‌پیچ‌و‌چه در کار تسلیم مواضع اجتماعی و اقتصادی و سیاسی خود به مردم ایران نیست *

xalvat.com

— پنجم — به این ترتیب نظام استبدادی ایران به این نتیجه رسیده است که باید با تمامی سطل کنونی خود حکومت کند و از تمامی وسایل و شیوه‌هایی که ادامه قدرت محالقه او را تامین می‌کند استفاده نماید و یا اینکه باید برای همیشه کنار برود *

— ششم — مردم ایران نیز بنیوه خود به این نتیجه محتوم و مقتدر رسیده‌اند که شکل نظام استبدادی ایران و شیوه‌های حکومت کردن آن و آثار ناشی از این حکومت به نتیجه‌ای رسیده است که ادامه این شکل و پدیده شیوه‌های حکومتی اقتصادی و سیاسی حکومت کردن آن هیچ‌زمانی در صورتی که باقی نگذاشته است *

— هفتم — مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که نظام سیاسی استبدادی برای درهم کوبیدن جنبش سراسری مردم ایران و ادامه موجودیت خود راهی جز توسل به شیوه‌های رایج گذشته ندارد یعنی واگذار کردن حکومت و حفظ تمامی اسرمهای قدرت *

— هشتم — نظام استبدادی برای اجرای این برنامه کوشش میکند با مخالفینی سازش کند و حکومت را به ضامری از جناح مخالف بسپارد که فاقد پایگاه اجتماعی مردمی بوده و به راه‌های ریشه‌ای و اساسی تحول بنیادی روابط اجتماعی و اقتصادی اعتدالی ندارند *

— نهم — این مواضع و مصالحه که انجام یک سلسله اصلاحات سطحی و کاری از حضور و مشارکت توده‌های زحمتکش کارگری و روستایی را در برمیگیرد بنیوه خود از ریشه دارتر کردن حرکت انقلابی مردم و تغذیه آن با تجربه‌های عینی مبارزه بر اساس بنیادهای محکم اجتماعی و سیاسی جلوگیری بعمل می‌آورد *

— دهم — و این مصالحه به اصل و اساس روابط حقوقی و قانونی طبقات اجتماعی به نفع صاحبان مواضع کنونی قدرتهای اقتصادی و سیاسی لحظه‌ای نمی‌زند بلکه نظیر نهضت مشروطه و نهضت‌های بعدی طبقه حاکمه کنونی ایران را در پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی قدرت حفظ میکند *

— یازدهم — انتقال حکومت از طبقه حاکمه کنونی به جناح‌های لیبرال مخالف که هیچگونه برنامه اساسی برای تغییر کیفی روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه ندارند و لو با کنار رفتن شاه از قدرت موضع اساسی مردم را در مبارزه تغییر نمی‌دهد بلکه به مبارزه مردم برای رسیدن به حاکمیت ملی در جهت ایجاد یک حکومت دموکراتیک مردمی، شکل و بعد تازه می‌بخشد *

— دوازدهم — این شکل و بعد تازه طبعاً به جنبه‌های قهرآمیز مبارزه شدت بیشتری خواهد داد زیرا در درون حکومت لیبرالها مواضع قدرت همچنان در دست جناح‌های مرتجع خواهد بود که برای رسیدن به حکومت و بازگشت به مواضع از دست رفته از تعبیه هیچ توطئه‌ای و استفاده از هر وسیله‌ای خودداری نخواهند کرد *

ایجاد تغییراتی در سطح کمیت برای فروشنان بحران اجتماعی و اقتصادی کنونی ایران تأثیری در شیوه‌های مبارزه و اصول اعتدالی جناح‌های اسیل انتزاعی نخواهد داد این جناح‌ها با آگاهی کامل از شیوه‌های سیاسی قدرت استبدادی و مانورهای سیاسی لیبرال‌های مخالف برای رسیدن به حکومت می‌دانند که با این شیوه‌ها و مانورها خواه ناخواه جز از طریق استفاده قهرآمیز از مبارزه نمی‌توان مواجهه شد *



توافق بر سه اصول کلی این مبارزه و گزینش خواسته‌های اساسی و کلی که حامل حد – اکثر وحدت و اتحاد و حداقل تشکیلات است نخستین گام در راه تجمع نیروها و شکل بختیدن به سازمان رهبری مبارزه می‌باشد *

صدایی که اکنون از حلقوم میلیون‌ها ایرانی برمیخیزد در مفهوم پرغشای الله اکبر تبلور می‌یابد *

xalvat.com

”الله اکبر“ تنها حامل یک مفهوم بسیط مذهبی در محدوده سوابق ذهنی ما نیست * بلکه این ندای انسان‌هایی است که سر از بندگی و بردگی انسان و قدرت آلوده به فساد آن سربرتاخته و نظام ارزش‌های فاسد و اسارت‌بار آن را در نبردیده اند انسانی که به قدرت حاکم و مطلق یک فرد و یا یک گروه از افراد اعتقاد ندارند *

نظام بهره‌کشی و استثمار فرد از فرد و گروه از فرد و فرد از گروه را نمی‌خواهد *

یک چنین انسانی باید نیروی زید و در خط مبارزه مستمّر خود اهرم رهبری را از فرد به جمع بیاورد زیرا فرد هم از نظر جسمی آسیب‌پذیر است و هم از نظر فکری و روانی در معرض انحراف و یا اغفال قرار دارد، تبلور آرزوها و امید‌های میانی‌ها انسان به یک فرد پیوسته در دسترس قرار گرفتن این میلیون‌ها انسان در یک خلا رهبری می‌باشد *
رهبری پیوسته و پیوسته ... به معنی رهبری مستمر و مستمری است که در سلسله مسائل آن در سطوح اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایجاد میکند که همه انسان‌های مستعد و همیشه استعداد‌های خلاق در سطح رهبری جای خاص خود را بدست آورند و توده‌ها را در مدار امکان‌ات خود در تعیین خط‌مشی‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف رهبری و مشارکت و نظارت قرار دهند *

استقامت و ایمانی که اکنون در توده‌های ما برای مبارزه و استمرار آن در ریشه‌ها رترین شیوه‌های مبارزه پیچیده آمده است می‌باید در چهارچوب یک سازمان رهبری متشکل و شامل شکل گرفته و آنچنان قوام یابد که آماده دفع هرگونه راه‌های انحرافی لیبرالی و فرسایش طلبی ما باشد *

معنویت جنبش‌کنونی سراسری مردم ایران در جست‌وجوی شیوه‌های تازه رهبری از سوی و راه‌های اجتماعی و اقتصادی از سوی دیگر است *

رهبری ما باید آنچنان باشد که از تمرکز قدرت سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در فرد و یا گروه خاص جلوگیری کند و راه‌های اجتماعی و اقتصادی باید آنچنان باشد که جامعه و جنبش‌ها را از عوارض منفی تمدن غرب و تجربه‌های ایده‌ئولوژیک برخاسته از غرب‌مسنون دارد و استفاده از تجربه‌های دیگران را پیوسته با موارث قومی و ملی و مذهبی ما و همچنین نیازهای برخاسته از خصوصیات جغرافیایی ما هماهنگ نماید *

هدف ما باید رهنا کردن نیروهای در زنجیر شده‌های زحمتکش کارگری و روستایی و غنی کردن هرچه عمیق‌تر زمینه‌های روشنفکری و فرزانی باشد * بنا بر این ما را راهی جز اتنا به این نیروها و شرکت دادن آنها در مبارزه و رهبری نیست *

و به این جهت است که راه ما در طریق مبارزه راهی طولانی و کیفیت آن به ناچار قهرآمیز است و مضمّن قهر در مبارزه مفهومی نام و شامل دارد که نباید آنرا فقط به وجبی از وجوه خاص آن که استفاده از سلاح است تحمیل کرد *

همانطور که گفتم نظام استبدادی از آنجایی که توده‌های مردم ایران را دشمن خود میدانند برای تسخیر قدرت خود بر مردم از شیوه‌های گوناگون و وسایل مختلف استفاده



میکنند که کنتار مردم یا اسلحه یکی از آنهاست * بنا براین مردم نیز می باید در مبارزه از شیوه ها و وسایلی مختلفی که در دست دارند و در حیطه قدرت و امکان آنها می باشد استفاده نمایند *

xalvat.com

دسته ای نیست که نخست مردم باید اصل وجود و ضرورت مبارزه بین خود و نظام استبدادی و هر گز شکل محافظه کارانه و یا معتدل آن را قبول کنند و سپس در حالیکه از تضر و سایل قهرآمیز مبارزه در سضوحی غا برابر یا رژیم قرار دارند باید برای چیران این نابرابری از شیوه ها و وسایلی که در کار تضعیف هر چه بیشتر سطوح مختلف قدرت تاثیر بیشتری دارد استفاده نمایند و محور تلاش آنها در این مبارزه این باشد که از یکپارچه شدن قدرت در سضوح مختلف اجتماعی و اقتصادی و سیاسی آن جلوگیری نمایند و با استفاده از امکانات و شیوه های مناسب ضعیف های موجود اجتماعی و اقتصادی رژیم را تشدید کنند و این میسر نخواهد بود مگر اینکه هیچ مبارزه مکرر قطع نشود و میدان برای تکرر و تجمیع قوای رژیم آماده نگردد *

رژیم روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۱۰ آذرماه ۱۳۵۷ سند بی اعتباری و لغو کامل مرزبیت و حقانیت تانومی خود را از نهامی مردم ایران دریافت کرد * میلیونها انسان از زن و مرد و پیر و جوان در تهران و شهرهای ایران بسوی یک متحد محین براه افتادند ، بزرگترین راه پیمائی تاریخ بشری در سرزمین ما انجام گرفت ، مقصد این میلیونها انسان کجا بود ؟ اعلام این اراده بطور صریح و آشکاره مردم ایران نظام استبدادی سلطنتی را نشانهی تحمیلی و ممتنی بر رژیم و خشونت و غارت میدانند که برای ادامه حیات خود همچنان کنتار میکنند و همچنان حاضر است که برای جلب حمایت غرب و امریکا هر نوع مسالحه و تحمیلی را بفتح بیگانگان یا جان و دل قبول کند *

مردم ایران در رژیم استبدادی و طرد هر گونه سازش و آشتی اراده خود را با این راه پیمائی نشان دادند ولی عکس العمل رژیم در برابر این نمایش سراسر صداقت و خلوص مردم چه بود ؟ در روئگویی و قلب حقیقت اراده کنتار مردم در اسفهان و اراک و مشهد و سایر شهرهای مملکت و بستن راه پیمائی تهران برای جلوگیری از ورود مردم به میدان راه پیمائی * رژیم وجود بیش از سه میلیون انسان را در راه پیمائی به دروغ به سیصد هزار تقلیل میدهد ، شعارهای طغنی مردم را بر ضد رژیم مستبد سلطنتی به شماره های کمونیستی تحمیل میکند رژیم همه وسایلی و امکانات موجود مردم را برای شرکت در راه پیمائی از بین میبرد حتی در پیرخ ها را توقیف میکند و با ارتکاب بزرگترین تجاوز ابتدائی ترین حقوق اجتماعی مردم را زیر پا میگذارد یعنی راه مردم را برای رسیدن به منزل و خروج از آن و عبور از خیابانهای اراک به منزل آنها منتهی میشود می بندد *

رژیم در مقابل چشمان حیرت زده مردم و صد ها خبرنگار خارجی که حضور میلیونها انسان را در خیابان شاهرفضای تهران مشاهده کردند بیشرمانترین دروغ را در نقل خیر این راه پیمائی مردم در رادیو و تله ویزین اختراع میکند * راه پیمائی سراسر سیاسی مردم را در اعلام بی اعتباری رژیم استبدادی ایران به انجام مراسم معمولی عزاداری تحمیل میکند در این صورت اگر رژیم سر تسلیم در برابر این تصمیم صریح مردم دایر بر طرد نظام استبدادی سلطنتی و همه آثار وجودی آن فرود نیارد و نخواهد چنین تصمیمی را که در راه پیمائی میلیونها انسان متبلور میشود این چنین وقیحانه انکار نماید برای مردم چه راهی جز مقاومت و مبارزه از هر راه و بهر وسیله و طرد هر گونه سازش و مسالحه که نتیجه ای جز ابقای قدرت رژیم ندارد باقی میماند *



اکنون آمریکا ادعا میکند که از اوضاع واقعی ایران بخاطر گزارشهای غلط مأمورین مخفی و آشکار خود در ایران اطلاعی نداشته و در برابر ارزیابی های منحرف کننده از قدرت شاه و قبول صحت ادعا ها و دروغهای رژیم در زمینه پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی ایران و محدود بودن پارامتری و مخالفت به گروه های چپ و خرابکار نتوانسته است حتی مسائل بحرانی کنونی ایران و راه حل های محتمل آن را درک کند .

xalvat.com

اما این ادعا نیز دروغی بیش نیست زیرا که آمریکا در ۲۵ سال گذشته میلیارد ها دلار از رهگذر این ارزیابی از منابع نفتی ایران و فروش سلاحهای نظامی و فروش خدمات و سرمایه های مختلف کنشورینگ خود به دولت ایران نفع برده است .

مکانیزم سرمایه داری پیشرفته صنعتی آمریکا بر اساس گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی شرکت های بزرگ تولید کننده و فروشنده و صادر کننده قرار دارد و نتیجه طبیعی آن نفوذ شدید این شرکت ها در سازمان های سیاسی و اداری آمریکا و گنگره آن و شکل بخشیدن سیاست آمریکا و دیپلماسی آن کشور در سراسر جهان عموماً و در کشورهای عقب مانده و ثروتمند خصوصاً میباشد .

وقتی دولت آمریکا کودتای مرداد ۱۳۳۲ را بر علیه دولت قانونی مصدق تدارک میدید از آثار اقتصاد ی و سیاسی و نظامی ناشی از این کودتا بنفع محافل متنفذ صنعتی و مالی و بانکی و سوداگران اسلحه خود بخوبی اطلاع داشت . و اکنون نیز عامل اصلی جلوگیری از رشد و پیشرفت چهری مبارزه سراسری مردم ایران برای رهسائی از اسارت طولانی نظام استبداد آمریکا است ، به این جهت است که حوادث گذشته تاریخی ما شکل و کیفیت مبارزه کنونی مردم ایران را تعیین میکند ، مضمون تاریخی این مبارزه هایمان بخشیدن بشکل کنونی روابط اجتماعی و اقتصادی ایران و قالب سیاسی در برگیرنده آن است ، این تخریب خواست ساسی مردم ایران است و راه پیمائی روزه های یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۲۰ آذر و هزاران هزار شهیدی که آگاهانه در راه آزادی و عدالت و حکومت اکثریت جان خود را فدا کردند نشان داد که مردم کام به کام به سوی تشدید مواضع تاکتیکی مبارزه پیش میرزند ، و این راهی است که عدول از آن پشتگست و عقب افتادن سرنوشت تاریخی مبارزه مردم منتهی میشود ، رژیم فساد و خفقان در حال هزیمت همپیمان بر سر ادامه قدرت خود از انجام هیچ بنیایش خودداری نمیکند ، نه از دروغ گفتن و نه از کشتار و نه از تجاوز و نه از خشونت ، و این دروغ و کشتار و تجاوز همپیمان ادامه دارد ، زیرا رژیم با در اختیار داشتن فاسد ترین و خبیث تر و ترسناک ترین عناصر ضد مردمی ، مردم ایران را دشمن خود و دشمن موجودیت خود میدانند ، مردم ایران پس از ۲۵ سال تجاوز آشکار اکنون و بود لحظه به لحظه این دشمنی را در سطوح ابتدایی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی زندگی خود احساس میکند و آثار و نتایج منسبت بار آن را در زندگی شخصی هر ایرانی احساس میکند و آثار و نتایج منسبت بار آنرا در زندگی خود می بیند ، بنابراین رژیم کنونی ایران در هر لباس و در هر تنبیر و در هر عقب نشینی متسلحتی قندی جز ادامه موجودیت خود از راه ایجاد تخریب و یا استفاده از تمایلات جاه طلبانه و سازشکارانه لبرائی ندارد .

ما از مبارزات سیاسی بشری در راه بدست آوردن آزادی و عدالت و روابط مشخصی داریم ، وقتی هدف ما عدالت و حکومت اکثریت است همه انگیزه ها و عوامل ملی و مذهبی و قومی باید در خدمت این مبارزه و در جهت پیروزی آن قرار گیرند . زیرا همه این عوامل فقط در روابط بسط اجتماعی و اقتصادی دموکراتیک میتوانند ما هیم واقعی خود را بدست آورند ، همه این عوامل هنگامی دارای ارزش هستند که در برقراری عدالت اجتماعی و حکومت اکثریت سهم حقیقی خود را ادانند . اکنون همه انگیزه های ملی و مذهبی و قومی مردم ایران در برابر رژیم استبدادی ایستاده اند و تا جایی که در گسترش مبارزه مردمی و صیق ترکردن آن اصالت خود را حفظ کنند



همچنان در موضع تاریخی خود باقی خواهند ماند *

مردم ایران در مرحله ای از آگاهی قرار گرفته اند که حضور هرگونه سازش و مصلحت گرایی ناشی از انگیزه های مادی خصوصی را به فوریت درمی یابند و به فوریت در برابر آن عکس العمل نشان میدهند.

مردم ایران بخوبی میدانند که بیگانگان برای ادامه منافع خود در ایران ممکن است به برکناری عوامل دست اول فساد و اختناق رضایت دهند اما تغییر کیفی روابط اجتماعی و اقتصادی را در ایران به نفع منافع خود نمی دانند ، بنابراین هدف مردم ایران نه تنها تغییر قالب سیاسی رژیم از شکل استبدادی به دموکراتیک است بلکه تغییر شرایط و روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی کنونی است ، و این تغییر فقط در حکومتی میسر خواهد شد که از آن اکثریت و برای اکثریت و بدست اکثریت مردم باشد و این تغییر جز با ادامه مبارزه و شکل بخشیدن نیروهای کارگری و روستائی و روشنفکری و آگاهی سازمانی در جهت استفاده از هرگونه شیوه و وسیله مبارزه در برابر رژیمی که چشون قتل عام و غارت و اختناق از او دشمنی آشتی ناپذیر ساخت است عجز نسته خواهد شد . *

xalvat.com

فرمانده
۱۳۵۷/۹/۲۱